

Comparative study of the institution of conciliation in Iranian civil procedure and international trade law

*AliReza AliPanah

**Mohsen Ziar

The making of differences in international trade relations is not unusual; Therefore, in order to resolve disputes, "alternative dispute resolution methods"(ADRs) such as "Conciliation" should be considered before dealing with solutions that are in difficulty. For this reason, "International Commercial Conciliation Model Law" came into force in 2002 in "UNCITRAL". On the other hand, in Iran's law there is also an institution called "compromise" which is responsible for resolving disputes between the parties to the dispute. The question that arises in this regard is: "To what extent are the rules on Conciliation in international trade law consistent with the provisions on compromise in Iranian law?" Considering what has been discussed in this paper, the compromise institution in Iranian law and international trade law are largely in line with each other; and the only difference in its form can be seen in the need for a conciliator in international trade law. The research method of this research is descriptive-analytical using library studies and has been studied through books and articles available and related to the subject matter.

Keywords: Compromise, Settlement, Conciliation, Resolution, Disagreement, UNCITRAL Model Law on International Commercial Conciliation2002.

* Faculty Member of Shahid Beheshti University

alipanah.a@yahoo.com

**Master of Private Law (Corresponding Author)

بررسی تطبیقی نهاد سازش در حقوق ایران و حقوق تجارت بین‌الملل

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۱

علیرضا عالی پناه*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۱

محسن زیار**

چکیده

بروز اختلاف در روابط تجاری بین‌المللی امری غیرعادی تلقی نمی‌شود. از این رو باید برای حل و فصل اختلافات، پیش از مراجعه به راه‌حلهایی که با مشکل روبروست، «روش‌های جایگزین حل و فصل اختلاف» همچون «سازش» مورد توجه قرار گیرد. در همین راستا «قانون نمونه سازش تجاری بین‌المللی» در سال ۲۰۰۲ به تصویب «آنسیترال» رسید. از دگر سو، در حقوق ایران نیز، نهادی به نام «سازش» وجود دارد که وظیفه‌ی حل و فصل اختلاف میان طرفین منازعه را بر عهده دارد. حال سؤالی که در این خصوص پدید می‌آید آن است که: «مقررات مربوط به سازش در حقوق تجارت بین‌الملل تا چه میزان با مقررات مربوط به سازش در حقوق ایران منطبق است؟» با توجه به آنچه که در این پژوهش به آن پرداخته شد باید گفت که نهاد سازش در حقوق ایران و حقوق تجارت بین‌الملل تا حدود زیادی باهم منطبق هستند و تنها تفاوت شکلی آن را می‌توان در لزوم وجود سازشگر در حقوق تجارت بین‌الملل دانست. روش تحقیق این پژوهش توصیفی-تحلیلی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای بوده و از طریق کتاب‌ها و مقالات در دسترس و مرتبط با موضوع مورد تحقیق صورت گرفته است.

واژگان کلیدی

صلح، سازش، حل و فصل، اختلاف، قانون نمونه آنسیترال درباره سازش تجاری بین‌المللی

مصوب ۲۰۰۲

مقدمه

بسیاری از معاملات تجاری بین‌المللی، بدون بروز اختلاف توسط طرفین اجرا می‌شوند. خریدار ثمن را به موقع پرداخت می‌کند و فروشنده نیز کالا را بدون عیب و نقص و مطابق مشخصات مقرر در قرارداد تحویل می‌دهد. با وجود این، بروز اختلاف در روابط تجاری بین‌المللی امری غیرعادی تلقی نمی‌شود. تفاوت‌های فرهنگی بین طرفین به سوء تفاهم‌ها دامن می‌زند؛ فاصله جغرافیایی امکان کنترل و بازرسی را از نزدیک مشکل می‌سازد؛ تجارت در فراسوی مرزها با مشکلات ورود و خروج کالا و ارز روبروست؛ و قراردادهای طولانی‌مدت در مسیر خود با حوادث و وقایع غیرقابل پیش‌بینی روبرو می‌شوند. (شیروی، ۱۳۹۱: ۴۷۳) تمامی این موارد موجب بروز اختلافات میان طرفین می‌گردد.

اما عادی بودن بروز اختلاف، به معنای عادی بودن مراجعه به دادگاه و یا داوری برای حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی نیست. اولاً: مراجعه به دادگاه و یا حتی داوری به روابط تجاری طرفین لطمه می‌زند. ثانیاً: مراجعه به دادگاه و یا داوری پرهزینه و وقت‌گیر است. در بسیاری از موارد، موضوع اختلاف از اهمیت زیادی برخوردار نیست که پیگیری آن از طریق دادگاه یا داوری مقرون‌به‌صرفه باشد. به همین جهت در تجارت بین‌الملل تلاش شده است که به جای حل و فصل اختلافات از طرق قضایی، اختلافات به صورت غیررسمی حل و فصل گردد که به آن «شیوه‌های جایگزین حل اختلافات» (Alternative disputes resolution (ADR)) اطلاق می‌شود. (شیروی، ۱۳۹۱: ۴۷۳) یکی از این روش‌ها «سازش» است. «سازش» روشی است که طرفین اختلاف، مشکلات و اختلافات موجود را با وساطت و مساعدت شخص ثالثی حل و فصل می‌کنند. مهم‌ترین مشخصه این روش، دخالت، وساطت و مساعدت شخص یا اشخاص ثالث در انجام مذاکرات بین طرفین اختلاف است. (شیروی، ۱۳۹۱: ۴۷۳) در روند سازش، قراردادی از قرارداد میان طرفین حاصل می‌شود که مطابق آن طرفین منازعه متعهد می‌شوند دعوی خود را نزد شخص واسطه‌ای ببرند. در همین راستا، در سال ۲۰۰۲ «قانون نمونه سازش تجاری بین‌المللی» (Model law on international commercial conciliation) در جهت توسعه و تشویق حل و فصل اختلافات از طریق سازش به تصویب «آنسیترال» (UNCITRAL) رسید.

بدین‌سان در تجارت بین‌الملل، صلح و سازش مطرح‌شده است و از راه‌های پایان بخشیدن به دعاوی، محسوب می‌گردد.

از دگر سو، در حقوق ایران، رفع تنازع و یا جلوگیری از وقوع تنازع احتمالی در مورد معامله و غیر آن از جمله کارکردهای عقد صلح (صلح دعوی) است. (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۳۰۱) همچنین در قانون آیین دادرسی مدنی، مبحثی با عنوان سازش وجود دارد که وظیفه‌ی حل و فصل اختلافات بر عهده دارد.

حال در این پژوهش قصد شده تا نهاد سازش در حقوق ایران و حقوق تجارت بین‌الملل مورد بررسی قرار گیرد. برای نیل به این مهم، ابتدا مفهوم سازش و سپس تشریفات اجرایی این نهاد در حقوق ایران و حقوق تجارت بین‌الملل تشریح می‌گردد. در خصوص ضرورت و هدف پژوهش باید گفت که وجود قانون نمونه سازش تجاری بین‌المللی و کارکرد مشابه آن با صلح و سازش در حقوق ایران سبب می‌شود که این پژوهش علاوه بر روشن‌تر کردن زوایای پنهان این نهاد در حقوق ایران و حقوق تجارت بین‌الملل، این مسئله را تبیین نماید که در صورتی که تجارت بین‌الملل فاقد تمامی ظرفیت‌های صلح و سازش - به معنای آنچه در حقوق ایران آمده است - باشد، «صلح و سازش» حقوق ایران را به‌عنوان مدلی در گسترش و ارتقای روش‌های حل و فصل اختلافات در تجارت بین‌الملل معرفی نماید.

سؤال اصلی که در این پژوهش مطرح است آن است که «مقررات مربوط به سازش در حقوق تجارت بین‌الملل تا چه میزان با مقررات مربوط به سازش در حقوق ایران منطبق است؟»

در این پژوهش فرض بر آن است که مقررات مربوط به سازش در حقوق تجارت بین‌الملل با مقررات مربوط به سازش در حقوق ایران منطبق به نظر می‌رسد.

در خصوص موضوع پژوهش، تقریباً پیشینه‌ی تحقیقی مرتبطی وجود ندارد؛ این مسئله و نیز وجود منابع لاتین بدون ترجمه، خود یکی از مشکلات پیش‌رو در انجام این پژوهش به حساب می‌آید. باین‌حال، می‌توان تسامحاً از پژوهش‌های ذیل به‌عنوان پیشینه‌ی تحقیق نام برد:

۱. شیروی، عبدالحسین. «بررسی قانون نمونه آنسیترال در خصوص سازش تجاری بین‌المللی». *مجله حقوق خصوصی*، بهار و تابستان ۱۳۸۵ - شماره ۱۰: ۴۵-۷۶.

۲. مستأجران، الهام. مطالعه تطبیقی صلح دعوی در حقوق ایران و انگلستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۲.

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای است. پژوهش از طریق کتاب‌ها و مقالات در دسترس و مرتبط با موضوع مورد تحقیق صورت گرفته است.

ذکر این نکته در مقدمه‌ی پژوهش ضروری است که در تمامی مباحث این پژوهش، به‌جای استفاده از عنوان «قانون نمونه آنسیترا دربارهی سازش تجارتهی بین‌المللی مصوب ۲۰۰۲» برای رعایت اختصار، از عنوان «قانون نمونه» استفاده خواهد گردید.

مبانی نظری

برای روشن شدن موضوع، ابتدا مفهوم سازش و سپس تشریفات سازش در حقوق ایران و حقوق تجارت بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱- مفهوم سازش

در ادامه، لازم است که مفهوم سازش در حقوق ایران و حقوق تجارت بین‌الملل مورد تبیین قرار گیرد.

۱-۱ مفهوم سازش در حقوق ایران

همان‌طور که ذکر شد در حقوق ایران، رفع تنازع و یا جلوگیری از وقوع تنازع احتمالی در مورد معامله و غیر آن از جمله کارکردهای عقد صلح (صلح دعوی) است. (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۳۰۱) همچنین در قانون آیین دادرسی مدنی، مبحثی با عنوان سازش وجود دارد که وظیفه‌ی حل و فصل اختلافات بر عهده دارد. در ادامه هرکدام از این مفاهیم تبیین خواهد شد.

۱-۱-۱ صلح

زبان شناسان «صلح» را به آشتی و سازش و تراضی میان متنازعين معنا کرده‌اند. (نفیسی، ۱۳۱۷: ۲۱۶۱-معین، ۱۳۶۰، ج ۲: ۲۱۶۰-معین، ۱۳۶۰، ج ۱: ۵۹-دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۹: ۱۳۲۴۸)

در قانون مدنی ایران هیچ تعریف روشنی از صلح ارائه نشده بلکه ماده ۷۵۲ ق.م، تنها به ذکر آن بسنده کرده است، از این رو حقوقدانان بر اساس مواد قانون مدنی و فقه امامیه اقدام به تعریف صلح نموده‌اند.

صلح ممکن است در مقام رفع تنازع موجود واقع شود، این وضعیت در صورتی است که طرفین با یکدیگر اختلاف داشته و برای احتراز از مراجعه به دادگاه و درگیر شدن در تشریفات طولانی آیین دادرسی مدنی هر یک از طرفین برای رسیدن به نقطه مشترک و توافق، نسبت به بخشی از دعاوی خود گذشت یا تسامح کرده و قراردادی را تحت عنوان صلح‌نامه منعقد می‌نمایند؛ مانند آنکه کسی پس از اقامه دعوی مالکیت نسبت به زمینی بر دیگری، دعوی را با او صلح نماید و مبلغی به‌عنوان مال‌الصلح دریافت کند و از طرفی ممکن است که بین طرفین نزاعی هم وجود نداشته باشد، ولی این عقد برای جلوگیری از وقوع تنازع احتمالی منعقد گردد؛ مثلاً وقتی که دو نفر با یکدیگر معاملات متعدد داشته‌اند، تصمیم می‌گیرند که دیگر باهم روابط معاملاتی نداشته باشند. لذا مطالبات و حقوق احتمالی خود را از دیگری در مقابل مبلغی صلح می‌کنند و بدین وسیله از بروز هرگونه اختلاف و نزاع در آینده که مربوط به روابط معاملاتی ایشان باشد جلوگیری می‌شود؛ یعنی هیچ‌یک از ایشان نخواهد توانست از جهت روابط مزبور ادعای حقی علیه طرف دیگر داشته باشد. همچنین مانند آنکه کسی ملکی را از دیگری می‌خرد و کلیه حقوق فرضی و احتمالی خود را از هر جهت نسبت به مورد معامله با بایع به یک سیر نبات صلح می‌کند. در هر صورت هیچ‌یک فرقی نمی‌نماید که منشأ تنازع که رفع و یا جلوگیری از آن سبب صلح شده است، معامله باشد یا غیر آن؛ مانند اختلاف راجع به شرکت در اموال یا ارث، چنانکه یکی از ورثه با ورثه دیگر در نصیب خود از ترکه مورث، اختلاف داشته باشد و آن را در مقابل مقدار معینی صلح کند؛ این است که ماده ۷۵۲ قانون مدنی می‌گوید: «صلح ممکن است یا در مورد تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی، در مورد معامله و غیر آن واقع گردد». (امامی، ۱۳۵۲: ۳۱۵)

همانند فقهای امامیه، عده‌ای از حقوقدانان ماهیت صلح را رفع منازعه دانسته و وجود خصومت را برای ایجاد آن شرط می‌دانند. لکن اکثر حقوقدانان قائل به این امر هستند که حقیقت صلح «تسالم» است. طبق نظر آنان، برای ایجاد صلح وجود شرطی

مانند پیشینه‌ی خصومت الزامی نیست. ایشان معتقدند از دلایلی که استفاده‌ی رفع مخاصمه می‌شود، فهمیده نمی‌شود که صلح منحصر در رفع مخاصمه است، لذا هیچ مانعی ندارد که صلح وسیله‌ی انجام معامله نیز قرار گیرد؛ به همین علت، قانون مدنی در ماده ۷۵۲ صلح را منحصر در رفع تنازع موجود یا جلوگیری از تنازع احتمالی ندانسته، بلکه آن را در مورد معامله و غیر آن نیز جاری می‌داند. لذا با استفاده از این عقد می‌توان به نتایج عقود معین دست یافت، بدون آن که لازم باشد از احکام خاص آن عقود تبعیت نمود. (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۳۰۲) (طاهری، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۴: ۵۰۵ و ۵۰۸) (عدل، ۱۳۴۲: ۴۷۳) (بروجردی عبده، ۱۳۸۰: ۳۰۶) (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ۱۳۵)

۲-۱-۱- سازش

تا به اینجا مفهوم «صلح» در حقوق ایران بیان شد. حال به تبیین «سازش» در حقوق ایران که از آن بیشتر در آیین دادرسی مدنی سخن به میان می‌آید، پرداخته خواهد شد. لغت‌شناسان، «سازش» را در کنار عباراتی چون «صلح» و «آشتی» آورده‌اند. (نفیسی، ۱۳۱۷: ۲۱۶۱) (معین، ۱۳۶۰، ج ۲: ۲۱۶۰) (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۹: ۱۳۲۴۸) (عمید، ۱۳۸۹: ۶۲۲ و ۷۲۸) (انوری، ۱۳۸۲، ج ۵: ۳۹۷۶) (عمید، ۱۳۸۹: ۶۲۲)

حقوقدانان نیز درباره‌ی واژه‌ی «سازش» در اصطلاح حقوقی و در آیین دادرسی مدنی بیان داشته‌اند که سازش به معنی صلح و ترازی طرفین دعوی بر حل و فصل منازعه در امور مدنی است که در داخل یا خارج دادگاه (ماده ۱۸۰ ق.آ.د.م) و تنظیم سازش‌نامه صورت می‌پذیرد و ماهیت یک سند رسمی صلح را دارد و مانند هر عقدی فقط بین طرفین و قائم‌مقام آنان لازم‌الاتباع است نه نسبت به ثالث. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۳۴۸) (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳: ۲۱۲) (حیاتی، ۱۳۸۴: ۲۹۱) (مدنی، ۱۳۶۸، ج ۲: ۶۶۳). بر همین مبنا، در امور مدنی، خواهان و خوانده (اصحاب دعوی) در هر مرحله از دادرسی می‌توانند دعوی خود را از راه سازش خاتمه دهند. (ماده‌ی ۱۷۸ ق.آ.د.م)

در نتیجه سازش نیز همانند صلح، از راه‌های مهم حل اختلافات بین اشخاص در حقوق ایران است. اکثر نویسندگان حقوقی به صراحت مقایسه‌ای میان صلح دعوی و سازش انجام نداده‌اند و از آثار آنها به خوبی برمی‌آید که صلح دعوی و سازش را به

یک معنا به‌کاربرده‌اند، احکام و آثار آن دو را یکسان می‌دانند و به تفاوت میان صلح دعوی و سازش اشاره‌ای نکرده‌اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۸۶۶) (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ج ۲: ۳۲۳) (متین دفتری، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۴۷) (حیاتی، ۱۳۸۴: ۲۹۱) (شمس، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۷۷) (شمس، ۱۳۸۷، ج ۳: ۴۹۷)

از طرفی فرهنگستان ایران در خردادماه ۱۳۱۴ شمسی در تهران تشکیل شد و واژه‌ی «سازش» را در برابر اصلاح (صلح) قرارداد. پس نباید تردید داشت که (سازش‌نامه) ای که از جمله در ماده ۱۸۱ ق.آ.د.م آمده است همان (صلح‌نامه) می‌باشد و در نتیجه عملی که طرفین انجام می‌دهند عقد صلح (در مورد تنازع) شمرده می‌شود و مشمول احکام و آثار آن است. (امامی، ۱۳۵۲، ج ۲: ۳۲۱)

۲-۱- مفهوم سازش در حقوق تجارت بین‌الملل

پس از تبیین مفهوم سازش در حقوق ایران، مفهوم سازش در حقوق تجارت بین‌الملل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در توضیح مفهوم سازش تجارتي بین‌المللی باید گفت که «سازش» روشی است که طرفین اختلاف مشکلات و اختلافات موجود را با وساطت و مساعدت شخص ثالثی حل و فصل می‌کنند. فرهنگ حقوقی بلک، سازش (Conciliation) را چنین تعریف کرده است: «مصالحه و حل و فصل اختلاف به روشی دوستانه و غیر خصمانه که قبل از دادرسی در دادگاه به منظور اجتناب از دادرسی یا قبل از داوری مورد استفاده است.» (Black, 1990: 289) همچنین فرهنگ حقوقی آکسفورد درباره سازش تجارتي بین‌المللی می‌نویسد: «یک روش دوستانه حل و فصل اختلافات بین‌المللی است. موضوعات مورد اختلاف به یک کمیسیون مصالحه موقت و یا دائمی که توسط توافق طرفین تعیین شده ارجاع می‌گردند که به موجب آن حقایق واقعی و بی‌طرفانه روشن می‌گردند و سپس منجر به صدور گزارش می‌شود. انتظار می‌رود که گزارش نهایی شامل پیشنهاداتی برای حل و فصل اختلافات باشد که باین حال طرفین هیچ تعهدی به قبول آن ندارند.» (A.Martin, 2001: 102)

در توضیح مفهوم سازش، تعاریف و تعبیر مختلفی به میان آمده است. در تعریف اصطلاحی این روش گفته شده که سازش فرآیندی است که در آن دو طرف اختلاف می‌توانند به منظور حل یک مشکل بدون مراجعه به دادگاه و با مراجعه به شخص ثالثی

به‌عنوان واسطه، با یکدیگر گفتگو و مذاکره نمایند. در این روش، شخص ثالث (سازش دهنده)، رویکرد مداخله‌گرایانه دارد و راهکارهای ممکن جهت رسیدن به توافق را پیشنهاد می‌نماید. (گروه پژوهشگران کاو اندیش، ۱۳۸۹: ۲۰۶)

یکی از نویسندگان سازش را با عنوان «حل‌وفصل مسالمت‌آمیز دعاوی با کمک شخص ثالث» تعریف نموده و در جای دیگر در این خصوص نوشته است: «سازش یکی از روش‌های حل‌وفصل اختلافات است که از طریق آن طرفین با کمک شخص ثالث بی‌طرف موسوم به سازشگر (Conciliator) درصدد برمی‌آیند که با جستجوی یک‌راه حل رضایت‌بخش برای هر دو طرف به اختلاف خود پایان دهند.» (Chatterjee and Lefcovitc 2005, :18)

در برخی از مقالات در خصوص سازش چنین آمده است: «سازش فرآیندی است که شامل اشخاص ثالث مستقل و بی‌طرفی است که به‌عنوان مفسر و پیام‌رسان در تشخیص علل اختلاف و وضعیت طرفین ایفای نقش می‌کنند تا در طرح ایده‌ها و راه‌حل‌های موردپذیرش از سوی طرفین مساعدت کنند. توافق بر راه‌حل‌های احتمالی متکی بر تصمیم شخصی و مشترک طرفین است، زیرا سازش دهندگان راه‌حلی را تحمیل یا توصیه نمی‌کنند.» (Rowley, 2002 :32)

همچنین لازم به ذکر است که سازشگر با طرفین در خصوص موضوع مورد اختلاف گفتگو می‌کند و دیدگاه‌های آن‌ها را به هم نزدیک کرده و در صورت تمایل طرفین طرح سازش یا سازش‌نامه را تنظیم می‌نماید. (Chatterjee and Lefcovitc 2005, :18)

مطابق بند ۲ ماده ۱ «قانون نمونه»، مهم‌ترین مشخصه روش سازش، دخالت، وساطت و مساعدت شخص یا اشخاص ثالث در انجام مذاکرات بین طرفین اختلاف است. طبق بند ۳ ماده ۱ قانون مذکور، سازش به فرآیندی اطلاق می‌شود که طرفین اختلاف از شخص یا اشخاص ثالثی تقاضا می‌کنند که آن‌ها را در تلاش در جهت رسیدن به یک راه دوستانه حل‌وفصل اختلافی که ناشی از یک قرارداد یا یک رابطه‌ی حقوقی یا اختلاف مربوط به آن‌ها است، یاری نماید؛ و ازاین‌جهت فرقی نیست که عبارت «سازش»، «میانجیگری» و یا امثال آن توسط طرفین به‌کاررفته باشد. نکته مهمی که سازش را از رسیدگی قضایی و یا داوری جدا می‌کند این است که سازش دهنده

نمی‌تواند خود را سماً موضوع اختلاف را فیصله دهد و یا نظر خود را بر طرفین تحمیل نماید. سازش دهنده تنها مجاز است که تلاش نماید طرفین اختلاف به یک‌راه حل دوستانه نائل شوند. (شیروی، ۱۳۹۱: ۴۹۱)

در برخی از نوشته‌ها حسب نقشی که شخص واسط بین طرفین ایفا می‌کند، بین «مساعی جمیله»، «میانجیگری» و «سازش» تفاوت قائل شده‌اند. در این دیدگاه، مساعی جمیله زمانی مطرح است که اختلاف موجود بین طرفین به حدی شدت دارد که از انجام هرگونه گفتگو امتناع می‌کنند. در این روش، شخص واسط تلاش می‌کند که طرفین را پای میز مذاکره حاضر کند، ولی در فرایند و پیشبرد مذاکرات دخالت ندارد. این روش بیشتر برای حل و فصل اختلافات بین دولت‌ها کاربرد دارد که طرفین به دلیل سیاسی حاضر به گفتگو با یکدیگر نیستند. میانجیگری زمانی مطرح می‌شود که شخص واسط در فرایند مذاکرات دخالت می‌کند و به طرفین کمک می‌نماید که مصالحه کنند، ولی خود راه‌حل خاصی را به طرفین پیشنهاد نمی‌کند. در سازش، شخص واسط علاوه بر کمک به طرفین جهت رسیدن به توافق، خود نیز راه‌حل‌هایی را به طرفین پیشنهاد می‌کند. (شیروی، ۱۳۹۱: ۴۹۲)

همچنین در توضیح مفهوم سازش آمده است که:

«سازش توافقی میان دو یا چند نفر است که به منظور جلوگیری از طرح دعوی در دادگاه، اختلافاتشان را به شکل دوستانه و با در نظر گرفتن شرایطی که طرفین دعوی بر روی آن توافق می‌کنند، حل و فصل می‌نمایند.» (Collins, 1999:221-222) بنا به این تعریف، سازش یک شیوه برای حل و فصل اختلاف به منظور جلوگیری از طرح دعوی در دادگاه است.

در تعریف دیگری از سازش ذکر شده است که: «صلح دعوی امتیازات متقابل را به منظور پایان بخشیدن به دعوی قضایی در نظر دارد. در واقع، هدف از امتیازات دوجانبه در صلح، خاتمه دادن به دعوی قضایی است.» (Collins, 1999:221) با توجه به این تعریف، طرفین برای پایان دادن به دعوی و حل و فصل اختلافات پس از طرح دعوی در دادگاه نیز از سازش استفاده می‌کنند.

بنابراین، سازش روشی دوستانه حل و فصل اختلافات است که بر مبنای آن یا از طرح دعوی در دادگاه جلوگیری می‌شود و یا اختلاف مطرح در دادگاه خاتمه می‌یابد و

از طریق آن تمامی حقوق به طرفین بازگشته و رضایت طرفینی حاصل می‌گردد. (مستأجران، ۱۳۹۲: ۴۸) به عبارت دیگر سازش هم در دادگاه صورت می‌پذیرد و هم در خارج دادگاه. از طرفی حقوق و تکالیف طرفین توسط شروط مندرج در قرارداد احصا و محدود می‌شود و هرگونه دادخواهی و طرح دعوی بعد از مصالحه نیز منع شده است. (Thierer, 1992:18) باید توجه داشت که قبل از اقدام طرفین به انجام سازش، می‌بایست در موضوع مورد حل و فصل توسط مصالحه، اختلاف وجود داشته باشد؛ به عبارت دیگر شرط لازم و عنصر اساسی برای انجام مصالحه، وجود یک اختلاف میان طرفین و یا دعوایی است که در دادگاه مطرح شده باشد. (Collins, 1999:221) قرارداد سازش می‌تواند در اختلافات مختلف از جمله دعاوی مدنی، قراردادی، خانوادگی، کارگری و... به کار رود. به طور کلی، یک سازش و مصالحه معتبر، قاطع و نهایی است و برای طرفین و کسانی که آگاهانه مزایای آن را پذیرفته‌اند الزام‌آور است. (Thierer, 1992:18)

در خصوص عنصر بین‌المللی سازش تجارتي باید گفت که مطابق بند ۴ ماده‌ی ۱ «قانون نمونه»، یک سازش وقتی بین‌المللی است که در زمان انعقاد قرارداد، محل کسب و کاری که طرفین سازش دارند، در کشورهای متفاوت باشد و یا این که کشوری که محل کسب و کار طرفین سازش در آن قرار دارد، از کشوری که بخش قابل توجهی از تعهدات مربوط به تجارت طرفین در آن انجام شود و یا کشوری که با موضوع اصلی مورد اختلاف ارتباط نزدیکی دارد، متفاوت باشد. همچنین در خصوص تعیین محل کسب و کار طرفین سازش در بند ۵ ماده ۱ همین قانون آمده است: «اگر یک طرف بیش از یک محل کسب و کار داشته باشد، محل کسب و کار آنجایی است که نزدیک‌ترین ارتباط با توافق سازش را داشته باشد؛ و نیز اگر یک طرف محل کسب و کار نداشته باشد، اقامتگاه عادی او به عنوان مرجع شناخته می‌گردد.»

بعلاوه در رابطه با عنصر بین‌المللی بودن باید گفت که مطابق بند ۶ ماده ۱ «قانون نمونه»، وقتی در مورد یک سازش تجارتي اعمال می‌شود که طرفین توافق دارند که سازش بین‌المللی است یا این که به قابلیت اعمال این قانون توافق داشته باشند.

بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، در حقوق تجارت بین‌الملل، سازش یکی از روش‌های ساده، غیررسمی و انعطاف‌پذیر حل و فصل اختلافات است که مذاکرات

دوستانه، سریع و کم‌هزینه را با کمک و مساعدت شخص ثالث میسر می‌کند. شخص ثالث بی‌طرف می‌تواند طرفین را تشویق به ملاقات و مذاکره‌ی مستقیم بنماید؛ همچنان که ممکن است صرفاً اطلاعات میان طرفین را انتقال دهد. (مستأجران، ۱۳۹۲: ۸۹)

۲- تشریفات سازش

در ادامه تشریفات سازش در حقوق ایران و حقوق تجارت بین‌الملل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱- تشریفات سازش در حقوق ایران

در حقوق ایران، معمولاً اختلافات مردم ابتدا به شکل دعوی در دادگاه صلاحیت‌دار مطرح می‌شود ولی در مراحل دادرسی با مداخله مصلحین، ریش‌سفیدان، معتمدین مجرب، از طرف خود اصحاب دعوی زمینه اصلاح فراهم می‌گردد. جهت اصلاح ذات‌البین و سازش هیچ مانعی وجود ندارد (تاجانی، ۱۳۸۸: ۹۴) آیین دادرسی مدنی این مورد را در ماده ۱۷۸ تصریح نموده است: «در هر مرحله از دادرسی مدنی طرفین می‌توانند دعوی خود را به طریق سازش خاتمه دهند». توضیح آنکه منظور از «مرحله»، مرحله بدوی و تجدیدنظر می‌باشد ولی در مرحله فرجامی سازش امکان ندارد چراکه رسیدگی ماهوی صورت نمی‌گیرد. (معاونت آموزش قوه قضائیه، ۱۳۸۶: ۷) اما اقدام به حل و فصل اختلافات از طریق سازش، دارای تشریفات خاصی است که در ادامه به شرح آن پرداخته خواهد شد.

۲-۱-۱- دامنه‌ی اجرای قوانین مربوط به سازش

مطابق ماده ۱۹۳ ق.آ.د.م درخواست سازش با پرداخت هزینه دادرسی دعاوی غیرمالی و بدون تشریفات مطرح و مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ادعای مورد درخواست سازش باید مربوط به حقوقی باشد که طرفین قانوناً بتوانند آزادانه آن را واگذار نمایند؛ بنابراین نسبت به ادعاهای راجع به اموال عمومی و دولتی بدون رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی و همچنین نسبت به دعوی عمومی، دعوی ورشکستگی، اصل حق ولایت قهری و... نمی‌توان درخواست سازش نمود. (شمس، ۱۳۸۷، ج ۳: ۴۸۹) البته این نکته قابل ذکر است که توافق والدین در نحوه‌ی نگهداری صغیر خود و

درخواست آنان از دادگاه مبنی بر تنظیم سازش نامه در این مقوله بلامانع است. (نویخت، ۱۳۷۰: ۱۱۶)

۲-۱-۲- آغاز روند سازش

هر یک از اصحاب دعوی می‌توانند از طریق دادگاه کوشش نمایند که اختلاف خود را با طرف مقابل از راه سازش حل و فصل نمایند. این امر مستلزم درخواست از دادگاه است. بنابراین مطابق ماده‌ی ۱۸۶ ق.آ.د.م، هر کس می‌تواند در مورد هر ادعایی از دادگاه نخستین به صورت کتبی درخواست نماید که طرف او را برای سازش دعوت کند. همچنین اصحاب دعوی می‌توانند به تراضی از دادگاه دادخواست کنند که میان آن‌ها سازش صورت گیرد. درخواست سازش می‌تواند توسط هر شخص اعم از حقیقی و حقوقی نیز مطرح شود. (اصل ۱۳۹ قانون اساسی). در مورد کیفیت ارائه درخواست به دادگاه باید گفت که درخواست باید کتبی باشد و در دو نسخه تنظیم گردد.

پس از رسیدن دادخواست، دادگاه وقت تعیین رسیدگی و طرفین را به ترتیبی که برای احضار خوانده مقرر است دعوت می‌نماید، اما در دعوت‌نامه باید قید شود که طرف برای سازش دعوت می‌شود. طرف مقابل می‌تواند به صورت کتبی پاسخ دهد که حاضر به سازش است و یا این‌که از سازش خودداری می‌نماید. در این صورت دادگاه تحقیقات احتمالی و عدم موفقیت را در صورت مجلس نوشته و به امضای هر یک از طرفین که حاضر باشند می‌رساند. در صورتی که دادگاه احراز نماید که طرفین حاضر به سازش نیستند به آن‌ها پیشنهاد اقامه‌ی دعوی می‌نماید، اما این نیز مانع نمی‌شود که طرفین از همین دادگاه یا دادگاه دیگر خواستار سازش شوند. (ماده‌ی ۱۹۲ ق.آ.د.م)

طرفین اگر حاضر شوند و مایل به سازش باشند، معمولاً برای رسیدن به توافقی مرضی‌الطرفین تعهدات و گذشت‌هایی ترتیب می‌دهند و در صورتی که سازش واقع نگردد، تعهدات و گذشت‌های مزبور لازم‌الرعایه نیستند. در هر صورت هرگاه سازش حاصل گشت، برابر مقررات سازش در دادگاه عمل می‌گردد. (شمس، ۱۳۸۷، ج ۳: ۴۹۰)

البته سازش همیشه به وسیله دادگاه صورت نمی‌گیرد. سازش ممکن است در دادگاه یا خارج از دادگاه واقع شود. ماده ۱۸۰ قانون آیین دادرسی مدنی اعلام می‌دارد: «سازش

بین طرفین یا در دفتر اسناد رسمی واقع می‌شود یا در دادگاه و نیز ممکن است در خارج از دادگاه واقع شده و سازش‌نامه غیررسمی باشد».

۳-۱-۲- اجرای روند سازش و انواع طرق اقدام به آن

پس از بیان نحوه آغاز روند سازش، اجرای روند سازش در آیین دادرسی مدنی موردبررسی قرار خواهد گرفت. این روند می‌تواند هم درون دادگاه و هم خارج از آن اجرا گردد که در ادامه به شرح آن پرداخته خواهد شد.

۱-۳-۱-۲- درون دادگاه

همان‌طور که ذکر شد، پس از اقامه‌ی دعوی طرفین ممکن است در دادگاه سازش نمایند؛ این سازش ممکن است در هر مرحله از مراحل دادرسی اعم از نخستین یا تجدیدنظر و در هر مقطعی انجام شود و باید در نظر داشت که چون هدف ختم دعوی از راه سازش است، این امر پیش از صدور رأی قاطع امکان‌پذیر است، چون پس از صدور رأی طرفین، با محکوم‌به آن روبه‌رو می‌باشند. اگر بعد از دعوت دادگاه به سازش، طرفین در دادگاه حاضر شوند و مایل به سازش باشند، معمولاً برای رسیدن به توافق مرضی‌الطرفین تعهدات و گذشت‌هایی ترتیب می‌دهند و در صورتی که سازش واقع نگردد، تعهدات و گذشت‌های مزبور لازم‌الرعیه نیستند. در هر صورت هرگاه سازش حاصل گشت، برابر مقررات سازش در دادگاه عمل می‌گردد. (شمس، ۱۳۸۷، ج ۳: ۴۹۰) مطابق ماده ۱۸۲ ق.آ.د.م «هرگاه سازش در دادگاه واقع شود، موضوع سازش و شرایط آن به ترتیبی که واقع شده در صورت مجلس منعکس و به امضای دادرس و یا دادرسان و طرفین می‌رسد.» پس از آن دادگاه ختم رسیدگی به سازش را اعلام می‌نماید و اقدام به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید که در آن مفاد صورت مجلس سازش نوشته می‌شود و شماری از دادگاه‌ها در آن قرار سقوط دعوی را صادر و اعلام می‌نمایند. (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۴۶) طبق ماده‌ی ۱۸۴ ق.آ.د.م «مفاد سازش‌نامه مانند احکام دادگاه‌ها به موقع اجرا گذاشته می‌شود و نسبت به طرفین و قائم‌مقام قانونی آن‌ها نافذ و معتبر است. سازشی که در دادگاه واقع می‌شود معمولاً در مورد دعوایی که مطرح گردیده

می‌باشد؛ درعین حال طرفین می‌توانند به ترتیب مذکور نسبت به دعاوی و امور دیگر نیز سازش نمایند.

۲-۳-۱-۲- خارج از دادگاه

تا به اینجا اجرای روند سازش در دادگاه (در صورت تمایل طرفین به سازش در دادگاه) مورد بررسی قرار گرفت، اما در مقابل، ماده‌ی ۱۸۹ قانون آئین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد که: در صورتی که دادگاه احراز نماید طرفین حاضر به سازش نیستند، آنان را برای طرح دعوا ارشاد خواهد کرد. ولی همان‌طور که ذکر شد، سازش نه تنها ممکن است در دادگاه واقع شود بلکه در خارج دادگاه نیز امکان‌پذیر است. در این حالت ممکن است متقاضی یا هر دو طرف اختلاف به جای مراجعه به دادگاه، به یک شخص دیگری مراجعه کنند و چنین درخواستی مطرح نمایند. در این صورت شخص مذکور فقط می‌تواند سعی در سازش نماید و پیشنهاد خود را ارائه کند، ولی این پیشنهاد ضمانت اجرا ندارد. اگر طرفین آن را قبول کردند پیشنهاد جدید جایگزین رابطه قبلی و مبنای رابطه حقوقی آینده طرفین خواهد شد و اگر طرفین نپذیرفتند دیگر اثر حقوقی نخواهد داشت. (نوریخس، ۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۱۰)

سازش در خارج دادگاه ممکن است توسط مأمورین رسمی تصریح شده در قانون تنظیم شده و یا بدون حضور چنین مأمورانی باشد. (شمس، ۱۳۸۷: ۴۹۰-۴۹۳) در ادامه به توضیح این دو قسم پرداخته خواهد شد.

بند اول: سازش در حضور مأمورین رسمی

سازش نزد مأمورین رسمی به دودسته تقسیم می‌شود:

الف) در حین اجرای قرار

سازش ممکن است خارج دادگاه اما در حین اجرای قرار (برای مثال قرار تحقیق محلی، معاینه‌ی محل) واقع شود.

ب) در دفترخانه اسناد رسمی

اصحاب دعوی می‌توانند نسبت به دعوایی که میان آنها در دادگاه مطرح است، در دفترخانه اسناد رسمی حاضر شده و از سردفتر بخواهند که بین آنها سازش‌نامه تنظیم کند. در این صورت سازش‌نامه به دادگاهی که در آن دعوی مطرح است تقدیم می‌شود

و دادگاه ختم موضوع را به سازشی که در دفتر اسناد رسمی تنظیم شده اعلام و گزارش اصلاحی صادر می‌نماید. طبق ماده‌ی ۱۸۱ ق.آ.د.م، اجرای سازش‌نامه در این صورت تابع مقررات راجع به اجرای مفاد اسناد لازم‌الاجرا می‌باشد. (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۴۵)

بند دوم: سازش بدون حضور مأمورین رسمی

سازش بدون حضور مأمور رسمی نیز به دودسته تقسیم می‌شود:

الف) سازش به موجب سند عادی

ممکن است طرفین خارج از دادگاه سازش نموده و سازش‌نامه تنظیم کنند (سازش‌نامه غیررسمی). مطابق ماده‌ی ۱۸۳ ق.آ.د.م در این صورت باید در دادگاه حاضر شده و به صحت آن اقرار کنند. اقرار طرفین در صورت مجلس نوشته شده و دادرس (دادرسان) دادگاه و طرفین آن را امضا نموده و دادگاه ختم دعوی را به سازش اعلام و گزارش اصلاحی که در آن مفاد سازش‌نامه درج شده صادر می‌نماید. (یلفانی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۳۶۵)

ب) سازش به وسیله داور

به موجب ماده‌ی ۴۸۳ آ.ق.د.م با لحاظ ماده‌ی ۴۸۸ همان قانون، هرگاه داوران اختیار صلح داشته باشند، صلح‌نامه‌ای که به امضای داوران رسیده باید ظرف بیست روز اجرا شود. باید در نظر داشت که داور باید در حدود اختیاراتی که دارد رأی صادر کند و اگر از حدود اختیارات خود خارج شد و دعوی را به صلح خاتمه داد، با توجه به بند ۳ ماده‌ی ۴۸۹ ق.آ.د.م رأی او باطل بوده و قابلیت اجرایی ندارد. (یلفانی، ۱۳۹۱، ج ۱: ۳۶۱) (شمس، ۱۳۸۷: ۴۹۵) (مستأجران، ۱۳۹۲: ۸۰-۸۷)

۴-۱-۲- خاتمه روند سازش

طبق ماده ۱۸۴ ق.آ.د.م، دادگاه پس از حصول سازش بین طرفین مبادرت به صدور گزارش اصلاحی می‌نماید. قانونگذار از مفاد سازش‌نامه‌ای که از محکمه (اعم از دادگاه و شورا) صادر می‌شود به گزارش اصلاحی تعبیر نموده و ماده ۲۵ قانون شوراها حل اختلاف نیز همین تعبیر را دارد. گزارش اصلاحی نه حکم است نه قرار بلکه طبق ماده ۱۸۴ ق.آ.د.م عنوان آن «سازش‌نامه» است و یک سند رسمی و لازم‌الاجراست. (حیاتی، ۱۳۸۴: ۲۹۵-۲۹۶) در خصوص نفوذ جلسه سازش، به قسمت آخر ماده ۱۸۴ قانون

آیین دادرسی مدنی استناد می‌گردد؛ مبنی بر این که مفاد سازش‌نامه در مورد سازش دعوی مطروحه یا دعاوی دیگر را، نسبت به طرفین، وارث و قائم‌مقام قانونی آنان نافذ و معتبر دانسته است و چگونگی اجرای آن را همانند اجرای احکام دادگاه‌های دادگستری می‌داند که به‌موقع به اجرا گذاشته می‌شوند.

۱-۴-۱- صدور گزارش اصلاحی

گزارش اصلاحی در دو صورت زیر تنظیم می‌شود:

بند اول: قبل از طرح دعوی

هر کس می‌تواند کتباً و در مورد هر ادعایی، ابتدایه‌ساکن از دادگاه نخستین درخواست کند که طرف او را برای سازش دعوت کند (ماده ۱۸۶ ق.آ.د.م) در این صورت با حصول سازش میان آنان، دادگاه بر اساس مواضع حاصله گزارش اصلاحی صادر می‌کند. مقررات شکلی حاکم بر آیین و شرایط این نوع سازش در مواد ۱۸۶ الی ۱۹۳ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است.

بند دوم: بعد از طرح دعوی

همان‌طور که ذکر شد، درخواست سازش و صدور گزارش اصلاحی بعد از طرح دعوی و در اثنای رسیدگی نیز به دو شکل انجام می‌شود:

الف) درون دادگاه

سازش در دادگاه یا نزد قاضی عضو مجری قرار به عمل می‌آید که در این شکل با انعکاس مراتب در صورت‌مجلس رسمی دادگاه با قرار و امضای آن به‌وسیله اصحاب دعوی و دادرس، ختم رسیدگی اعلام می‌شود و صدور گزارش اصلاحی در دستور کار دادگاه قرار می‌گیرد.

ب) خارج از دادگاه

در خارج از دادگاه و حسب مورد با تنظیم سند رسمی یا سند عادی همراه است. در این فرض، در صورت اول (رسمی بودن سازش‌نامه) دادگاه ختم رسیدگی را به‌موجب سازش موجود در پرونده اعلام و اجرای مفاد سازش‌نامه رسمی تابع اجرای مفاد اسناد لازم‌الاجرا خواهد بود (ماده ۱۸۱ ق.آ.د.م) و در صورت دوم (عادی بودن سازش‌نامه) بایستی طرفین در دادگاه حاضر و بر صحت آن اقرار نمایند. با احراز اصالت سند

موضوع صلح، به ترتیب پیش گفته بر مبنای توافقات انجام شده، گزارش اصلاحی صادر می‌شود.

صورت اخیر تقریباً متروک شده و به ندرت از آن استفاده می‌شود ولی مورد نخست است که در عمل، دادگاه‌ها و شوراها حل اختلاف با آن روبرو هستند. (تقی زاده، ۱۳۹۱: ۸۹-۹۰) (مستأجران، ۱۳۹۲: ۹۸-۹۹)

۲-۴-۱-۲- اعتبار امر مختومه در گزارش اصلاحی

در مورد این که آیا گزارش اصلاحی مشمول اعتبار امر مختومه می‌باشد یا خیر، نظرات متفاوتی بیان شده است که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد:

۱. گروهی اعتقاد دارند که گزارش اصلاحی رأی محسوب نشده و دارای اعتبار امر مختومه نمی‌باشد. از منظر طرفداران این نظریه، تمام گزارش‌های اصلاحی صادر شده، ماهیتاً عقد صلح محسوب می‌گردد که به لحاظ ماهوی، با صلح رسمی منعقد شده در دفترخانه تفاوت اندکی داشته و تنها وجه تمایز آنان این است که در گزارش اصلاحی، تشریفات رسیدگی و دادرسی به اراده‌ی آزاد طرفین ملحق شده و در عقد صلح ثبت شده، تشریفات قانونی مربوط به تنظیم اسناد رسمی، آن را به اوصاف سند رسمی مقید می‌سازد و ضمانت اجرای هر دو، درخواست صدور اجرائیه (یکی از طریق اجرای احکام دادگستری و دیگری اجرای اداره ثبت) است.

دکتر کاتوزیان در این خصوص می‌نویسد: «گزارش اصلاحی به اعتبار این که در دادگاه تنظیم می‌گردد -و آن را قرارداد قضایی هم می‌گویند- از نظر ماهوی یک قرارداد واقعی است و اعتبار و اثر آن تابع قواعد عمومی قانون مدنی است؛ بنابراین اگر ایجاب این سازش نزد دادرس واقع شود پیش از قبول طرف دیگر، اثر حقوقی ندارد» (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۳۳) به همین جهت ماده قانون آیین دادرسی مدنی ۱۸۵ اعلام می‌کند که: «هرگاه سازش محقق نشود، تعهدات و گذشت‌هایی که طرفین هنگام تراضی به سازش به عمل آورده‌اند، لازم‌الرعايه نیست.» دکتر کاتوزیان در ادامه بیان می‌دارد: «تنظیم گزارش اصلاحی عمل قضایی نیست و به همین دلیل، از اعتبار امر قضاوت شده استفاده نمی‌کند. طرفین سازش، در عین حال که مانند سایر متعاقدین باید مفاد قرارداد را محترم بشمارند، می‌توانند ابطال آن را به سبب مخالفت با نظم عمومی یا اشتباه و اکراه

از دادگاه بخواهند و همچنین حق دارند فسخ سازش را به سبب تدلیس و عیب و امثال این‌ها تقاضا کنند، مگر این‌که از اوضاع و احوال برآید که از حق خیار خود گذشته‌اند و مایل‌اند به گونه‌ای قاطع، به دعوی پایان بخشند.» (کاتوزیان، ۱۳۷۶: ۱۳۳)

دکتر جعفری لنگرودی نیز در این باره می‌نویسد: «گزارش اصلاحی قبل از این‌که شایسته‌ی اسم گزارش باشد، محتوای آن عقد صلح حقوق مدنی است که تشریفات دادگاه هم با آن پیوسته می‌شود؛ بنابراین از عنوان قضیه محکوم بها استفاده نمی‌کند و هر یک از طرفین قرارداد می‌توانند به استناد یکی از خیارات و یا به استناد عدم نفوذ و اکراه و غیره از دادگاه تقاضای ابطال آن را نمایند.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۵: ۹۶)

۲. گروه دیگری معتقدند گزارش اصلاحی رأی و به تبع آن دارای اعتبار امر مختومه است. اکثریت قضات، ماده‌ی ۱۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی را دال بر دارای اعتبار امر مختومه بودن گزارش اصلاحی می‌دانند و معتقدند اعمال نظر خلاف آن، موجب اختلال در نظم قضایی کشور می‌گردد. در همین راستا شعبه ۴۸ دادگاه عمومی مشهد در پرونده کلاسه ۸۲/۳۶۶۵ (۲۷/۸۳/۱۶۶) و طی دادنامه شماره ۱۳/۳۶۳۰ - ۸۲/۱۲/۱۹ چنین رأی داده است:

«بسمه تعالی

رأی دادگاه در خصوص دادخواست آقای محمد مهدی حسینی به وکالت از ناحیه آقای به خواسته اعلان فسخ قراردادهای ۷۶/۱۰/۴ و فسخ گزارش اصلاحی شماره نظر به این‌که اختلافات طرفین منجر به صدور گزارش اصلاحی گردیده و گزارش اصلاحی صادره از دادگاه‌ها به لحاظ این‌که از اعتبار احکام صادره از دادگاه‌ها برخوردار است قابل فسخ نمی‌باشد، و لذا دادگاه دعوی فسخ گزارش اصلاحی را غیر وارد تشخیص و حکم به رد آن صادر می‌نماید و در خصوص ابطال قراردادها چون موضوع با صدور گزارش اصلاحی به صلح خاتمه پیدا نموده و از اعتبار امر مختومه برخوردار است مستنداً به بند ۶ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی قرار رد آن صادر می‌گردد.

رئیس شعبه ۴۸ دادگاه عمومی مشهد - صارم بافنده».

شایان ذکر است متعاقب تجدیدنظرخواهی از دادنامه مذکور، شعبه ۱۶ دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی، رأی تجدیدنظر خواسته را طی دادنامه شماره ۵۳/۳۷۳ - ۸۳/۳/۱۰، تأیید کرده است. (حسنی، ۱۳۸۹)

به این ترتیب در موضوع مورد بحث، رویه قضائی شیوه‌ای واژگونه و مغایر با نص قوانین ماهوی و دکترین حقوقی را می‌پیماید. به نظر می‌رسد با توجه به اعمال این رویه در دادگاه‌های ایران و ایجاد اختلال در نظم قضایی کشور در صورت عدم تبعیت از این رویه، برگزیدن نظر دوم که حاکی از دارای اعتبار امر مختومه بودن گزارش اصلاحی است، اقرب به صواب باشد.

۲-۲- تشریفات سازش در حقوق تجارت بین‌الملل

بعد از بیان تشریفات مربوط به صلح و سازش در حقوق ایران، تشریفات اجرایی و روند رسیدگی به سازش تجارتي بین‌المللی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

بنا بر آنچه در گذشته ذکر شد، در حقوق تجارت بین‌الملل سازش یکی از روش‌های ساده، غیررسمی و انعطاف‌پذیر حل و فصل اختلافات است که مذاکرات دوستانه، سریع و کم‌هزینه را با کمک و مساعدت شخص ثالث میسر می‌کند. شخص ثالث بی‌طرف می‌تواند طرفین را تشویق به ملاقات و مذاکره‌ی مستقیم بنماید و پیشنهادهایی برای حل و فصل اختلافات ارائه کند؛ همچنان که ممکن است صرفاً اطلاعات میان طرفین را انتقال دهد.

بنابراین در حقوق تجارت بین‌الملل، سازش یک روش دوستانه حل و فصل اختلافات است که بر مبنای آن یا از طرح دعوی در دادگاه جلوگیری می‌شود و یا اختلاف مطرح در دادگاه خاتمه می‌یابد و از طریق آن تمامی حقوق به طرفین بازگشته و رضایت طرفینی حاصل می‌گردد. (مستأجران، ۱۳۹۲: ۴۸)

در طول بیست سال گذشته، نیاز به وضع قانون در جهت توسعه و تشویق حل و فصل اختلافات از طریق سازش مورد تأیید و تأکید کشورها قرار گرفته است و بر این اساس نسبت به وضع قانون در خصوص سازش اقدام نموده‌اند. در سال ۱۹۹۸ نیاز به تهیه مقررات متحدالشکل سازش تجاری بین‌المللی مورد توجه آنسیترال قرار گرفت و «کارگروه مربوط به داوری و سازش» (Working Group on Arbitration and

Conciliation) مأموریت یافت که یک قانون نمونه در این خصوص تهیه نماید. در ماه ژوئن ۲۰۰۲، نسخه نهایی «قانون نمونه سازش تجاری بین‌المللی» (Mode Law) رسید. (UNCITRAL, 2004:14-16) مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه شماره ۵۷/۱۸ مورخ ۱۹ نوامبر ۲۰۰۲ این «قانون نمونه» را تصویب نمود. (شیروی، ۱۳۸۵: ۴۶-۴۸)

در «قانون نمونه»، متعاقب مباحث کلی، آیین سازش شامل شروع سازش، تعداد سازش دهندگان، نحوه انتخاب آنان روش پیشبرد سازش و نهایتاً پایان سازش مطرح شده است. برای تشویق افراد به حل و فصل اختلافات از طریق سازش، «قانون نمونه» تضمینات خاصی مقرر کرده است که به موجب آن طرفین احساس امنیت کرده و مطمئن شوند که این روش برای آن‌ها مخاطراتی در بر نخواهد داشت. این تضمینات شامل حفظ اسرار مربوط به سازش، قابلیت پذیرش دلایل در سایر رسیدگی‌ها، عدم دخالت سازش دهنده به عنوان داور، امکان مراجعه به داوری یا رسیدگی قضایی، قدرت اجرایی موافقت‌نامه سازش و توقف مرور زمان می‌باشد. (شیروی، ۱۳۹۱: ۴۹۶)

در ادامه تشریفات مربوط به سازش تجاری بر مبنای قوانین و مقررات مندرج در «قانون نمونه» مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۲-۲- دامنه‌ی اجرای «قانون نمونه»

در ماده ۱ «قانون نمونه»، دامنه‌ی اجرای این قانون و تعاریف آن تبیین گردیده است. مطابق بند ۱ تا ۳ ماده‌ی ۱ «قانون نمونه»، این قانون در خصوص سازش تجاری بین‌المللی اجرا می‌گردد. به موجب این قانون، «سازش» فرآیندی است که به موجب آن طرفین از شخص یا اشخاص ثالثی (سازشگر) درخواست می‌کنند که آن‌ها را در تلاش در جهت رسیدن به یک‌راه دوستانه حل و فصل اختلافی که ناشی از یک قرارداد یا یک رابطه‌ی حقوقی یا اختلاف مربوط به آن‌ها باشد، یاری نماید. سازشگر نمی‌تواند یک‌راه حل و فصل اختلاف را به طرفین تحمیل نماید.

به موجب بند ۴ و ۵ ماده‌ی ۱ «قانون نمونه»، یک سازش وقتی بین‌المللی است که یا در زمان انعقاد قرارداد، محل کسب و کار طرفینی که توافقی بر سر سازش دارند، در

کشورهای متفاوت باشد؛ و یا این که کشوری که محل کسب و کار طرفین در آن قرار دارد، با محل اجرای قرارداد و یا با محل موضوع مورد اختلاف متفاوت باشد. البته در این قانون ذکر شده که اگر یک طرف بیش از یک محل کسب و کار داشته باشد، محل کسب و کار آنجایی است که نزدیک‌ترین ارتباط با توافق سازش را داشته باشد. همچنین اگر یک طرف محل کسب و کار نداشته باشد، اقامتگاه عادی او به عنوان مرجع شناخته می‌گردد.

مطابق بند ۶ و ۷ ماده‌ی ۱ «قانون نمونه»، این قانون وقتی در مورد یک سازش تجاری اعمال می‌شود که طرفین توافق دارند که روند سازش بین آن‌ها بین‌المللی است یا این که به قابلیت اعمال این قانون توافق داشته باشند. همچنین طرفین آزادند توافق نمایند که قابلیت اعمال این قانون را استثنا نمایند.

از طرف دیگر مطابق بند ۹ ماده‌ی ۱ همین قانون، در مواردی که یک قاضی یا داور، طی روند قضاوت یا داوری، برای تسهیل حل و فصل (اختلاف) تلاش کند، قانون نمونه سازش تجاری بین‌المللی مصوب ۲۰۰۲ در این خصوص اعمال نمی‌گردد.

مطابق ماده‌ی ۲ «قانون نمونه»، در تفسیر این قانون و مقررات مربوط به سازش تجاری بین‌المللی، باید به منشأ بین‌المللی، نیاز به توسعه اجرای متحدالشکل مقررات و رعایت حسن نیت توجه شود. همچنین در موضوعاتی که ابهام وجود دارد، پیروی از اصول کلی‌ای که این قانون بر آن‌ها استوار است، راهکار رفع ابهام خواهد بود. بر مبنای ماده‌ی ۳ «قانون نمونه»، به جز مقررات ماده ۲ و بند ۳ ماده ۶، طرفین می‌توانند در استثنا کردن و یا تغییر هر کدام از مقررات این قانون توافق کنند.

۲-۲-۲- انواع طرق اقدام به سازش

حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی از طریق سازش ممکن است الزامی یا اختیاری باشد. در صورتی که در قرارداد راجع به سازش مقرراتی وجود نداشته باشد، ارجاع به سازش اختیاری است. چنانچه حل و فصل اختلافات از طریق سازش در قرارداد پیش‌بینی شده باشد، طرفین ملزم هستند که تلاش کنند موضوع را از طریق سازش حل و فصل نمایند. در این صورت مراجعه به داوری یا دادرسی جهت حل و فصل اختلافات منوط به طی روند سازش و عدم نتیجه مورد قبول می‌باشد.

طرفین در زمان انعقاد قرارداد یا بروز اختلاف ممکن است راجع به جزئیاتی در مورد روش سازش و روند آن توافق نمایند که بر اساس آن سازش انجام گیرد. طرفین همچنین ممکن است به جای درج برخی جزئیات در قرارداد، مقرر نمایند که سازش بر مبنای قواعد سازشی که توسط یکی از سازمان‌های بین‌المللی تهیه شده انجام گیرد. (شیروی، ۱۳۹۱: ۴۹۳)

اساساً در حقوق تجارت بین‌الملل سازش به دودسته تقسیم می‌گردد:

۱-۲-۲- سازش غیر قضایی یا مصالحه آمیز

سازش غیر قضایی را به صورت «هرگونه سازشی که با عدم دخالت قاضی یا خارج از دادرسی که زیر نظر قاضی جریان دارد تحقق می‌یابد» تعریف نموده‌اند. در این نوع سازش، طرفینی که توافق بر سازش کرده‌اند، ابتدائاً می‌بایست از انجام دادخواهی و شکایت در دادگاه پرهیز کنند. این موضوع باید در موافقت‌نامه‌ای که پیش از سازش تهیه می‌شود (پیش‌نویس قبل از اقامه‌ی دعوی (Pre-actions protocols))، تصریح گردد. اگر طرفین پیش از این که در دادگاه اقامه‌ی دعوی کنند (یا در دادگاه اقامه‌ی دعوی کنند ولی دادگاه حکم ندهد) تصمیم بگیرند که اختلافاتشان را حل و فصل کنند، می‌توانند از طریق سازش یا سایر روش‌های حل و فصل اختلافات (Alternative Disputes Resolution (ADR)) به دعوی خود خاتمه دهند.

۲-۲-۲- سازش قضایی

در این گونه سازش، سازش در دادگاه انجام می‌شود و قاضی در روند سازش و گواهی نمودن سازش بین طرفین منازعه نقش دارد. این نوع سازش خود به دودسته تقسیم می‌شود:

بند اول: داوطلبانه

به این معنی که دادگاه وظیفه دارد که برای حل و فصل پرونده‌ها در هر مرحله از دعوی طرفین را تشویق به حل و فصل منازعه کند؛ و طرفین می‌توانند روش سازش را برای حل و فصل اختلافات خود برگزینند. در مواردی ممکن است این نوع از سازش نیز

با شکست مواجه شود. به خاطر این واقعیت که در این مرحله طرفین شناخت کافی از طرف مقابل خود ندارند.

بند دوم: اجباری

به این معنی که دادگاه قدرت (اختیار) اجبار کردن طرفین به سازش یا سایر روش‌های حل و فصل اختلافات را دارد. به نظر می‌رسد این روش، یک روش و ابزار بی‌اثر در بسیاری از حوزه‌های قضایی باشد. بنابراین بسیاری از حوزه‌ها این نوع از سازش را حذف کرده‌اند یا درصدد حذف آن برآمده‌اند. (مستأجران، ۱۳۹۲: ۹۰)

همان‌طور که ذکر شد، صلح هم در دادگاه صورت می‌پذیرد و هم در خارج دادگاه. باید توجه داشت که قبل از اقدام طرفین به انجام مصالحه، می‌بایست در موضوع مورد حل و فصل توسط مصالحه، اختلاف وجود داشته باشد؛ به عبارت دیگر شرط لازم و عنصر اساسی برای انجام مصالحه، وجود یک اختلاف میان طرفین و یا دعوی است که در دادگاه مطرح شده باشد. (Collins, 1999:221) لازم به ذکر است که یک سازش و مصالحه معتبر، قاطع و نهایی است و برای طرفین و کسانی که آگاهانه مزایای آن را پذیرفته‌اند الزام‌آور است. از طرفی حقوق و تکالیف طرفین توسط شروط مندرج در قرارداد احصای و محدود می‌شود و هرگونه دادخواهی و طرح دعوی بعد از مصالحه نیز منع شده است. (Thierer, 1992:18)

۳-۲-۲- آغاز روند سازش

طبق ماده ۴ «قانون نمونه»، مبنای آغاز روند سازش در رابطه با اختلافی که به وجود آمده، روزی است که طرفین اختلاف توافق کنند که درگیر روند سازش شوند. همچنین اگر طرفی که طرف دیگر را به سازش دعوت کرده، ظرف سه روز از تاریخی که دعوت‌نامه ارسال شده، قبول دعوت‌نامه را دریافت نکند، آن طرف می‌تواند که این امر را به منزله رد دعوت‌نامه سازش تلقی کند.

۴-۲-۲- تعیین سازشگر

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های سازش این است که مذاکرات دوستانه، سریع و کم‌هزینه با کمک و مساعدت شخص ثالث (سازشگر) میسر می‌گردد. شخص ثالث

(سازشگر) بی طرف می تواند طرفین را تشویق به ملاقات و مذاکره‌ی مستقیم بنماید و پیشنهادهاتی برای حل و فصل اختلافات ارائه کند؛ همچنان که ممکن است صرفاً اطلاعات میان طرفین را انتقال دهد؛ به عبارت دیگر، در حقوق تجارت بین الملل، وجود یک سازشگر در روند سازش ضروری است، مگر این که طرفین توافق کنند که باید دو یا تعداد بیشتری سازشگر وجود داشته باشد. (بند ۱ ماده ۵ «قانون نمونه»)

در خصوص تعیین سازشگر، طرفین باید تلاش کنند که بر روی یک یا چند سازشگر به توافق برسند، مگر این که برای تعیین آن‌ها روی روش دیگری به توافق رسیده باشند؛ به عبارت دیگر، طرفین می توانند از یک موسسه و یا یک شخص در رابطه با تعیین سازشگرها یاری بطلبند که یا سازشگر را به آن‌ها معرفی کنند و یا این که رأساً سازشگر را تعیین نمایند. در معرفی و یا انتصاب افرادی که به عنوان سازشگر عمل می کنند، از یک سو، موسسه یا شخص باید به انتصاب یک سازشگر مستقل و بی طرف توجه کنند و در صورت لزوم، باید به انتصاب یک سازشگر از ملیتی غیر از ملیت طرفین نیز توجه نمایند. از سوی دیگر یک شخص، زمانی که احتمال می دهد به انتصاب به عنوان یک سازشگر نزدیک است، باید هر اوضاع و احوالی که موجب افزایش شک درباره‌ی بی طرفی و یا استقلال او می شود، فاش کند. یک سازشگر از زمان انتصابش و در طول روند سازش، باید هر اوضاع و احوال این چنینی را بدون تأخیر به طرفین فاش کند مگر آنکه طرفین از قبل توسط وی، از آن اوضاع و احوال مطلع شده باشند. (ماده ۵ «قانون نمونه»)

لازم به ذکر است که در حقوق ایران وجود سازشگر به عنوان رکن اصلی سازش محسوب نمی گردد؛ لکن در عین حال ممکن است در حقوق ایران نیز طرفین برای سازش به شخص ثالثی مراجعه نمایند.

۵-۲-۲- تکالیف سازشگر

در خصوص ارتباط بین سازشگر و طرفین باید گفت که سازشگر می تواند با هر دو طرف یا هر کدام از آن‌ها به صورت جداگانه ملاقات کند یا ارتباط داشته باشد. (ماده ۷ «قانون نمونه»)

مطابق ماده ۸ «قانون نمونه»، زمانی که سازشگر اطلاعات مرتبط با اختلاف را از یک طرف دریافت می‌کند، می‌تواند ماهیت آن اطلاعات را برای طرف دیگر سازش فاش سازد. با این حال، اگر زمانی که یک طرف هرگونه اطلاعاتی را به سازشگر می‌دهد، شرط خاصی را وضع کند که آن اطلاعات می‌بایست محرمانه باقی بمانند، آن اطلاعات نباید به طرف دیگر سازش فاش شوند.

از طرفی به‌غیر از توافق طرفین، تمامی اطلاعات مربوط به روند سازش می‌بایست محرمانه باقی بمانند، به‌استثنای جایی که افشای اطلاعات با توجه به یک قانون یا به‌منظور پیاده‌سازی یا اجرای یک توافق حل و فصل اختلاف ضروری باشد. (ماده ۹ «قانون نمونه»)

همچنین مطابق ماده ۱۲ «قانون نمونه»، سازشگر نباید به‌عنوان یک داور در رابطه با اختلافی که موضوع روند سازش بوده یا هست و یا در رابطه با دیگر اختلافاتی که از همان قرارداد یا رابطه حقوقی یا هر قرارداد یا رابطه حقوقی دیگر ناشی می‌شود، عمل نماید؛ مگر این‌که طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند.

این نکته مغفول نماند که یکی از طرفین، سازشگر و یا هر شخص ثالثی که در اجرای روند سازش دخالت دارد، نباید در داوری، قضاوت یا روندهای مشابه به‌عنوان حاکم مورد اعتماد قرار گیرند؛ همچنین نباید به‌عنوان یک شاهد معرفی شوند و یا شهادت و یا مدرک خاص مرتبط با موضوع را فاش نمایند. (ماده ۱۰ «قانون نمونه»)

۶-۲-۲- اجرای روند سازش

همان‌طور که در مباحث گذشته ذکر شد، طرفین می‌توانند توافق کنند به مجموعه‌ای از مقررات یا در غیر این صورت، به شیوه‌ای که سازش باید بر اساس آن اجرا شود، استناد کنند. در صورت عدم توافق روی شیوه‌ای که سازش باید بر اساس آن اجرا شود، سازشگر می‌تواند روند سازش را بر اساس شیوه‌ای که از نظرش مناسب است، با در نظر گرفتن اوضاع و احوال، اجرا نماید. در هر موردی، در اجرای روند سازش، سازشگر می‌بایست به دنبال حفظ رفتار منصفانه بین طرفین بوده و در انجام این کار، باید به اوضاع و احوال آن مورد، توجه کند. سازشگر می‌تواند در هر مرحله از روند سازش، طرح‌های پیشنهادی را برای حل و فصل اختلافات ارائه نماید. (ماده ۶ «قانون نمونه»)

برخی از نویسندگان برای سازش هفت مرحله ذکر کرده‌اند که در ذیل به توضیح آن پرداخته خواهد شد.

۱-۲-۲-۶-۱- معرفی و ایجاد اعتماد بین طرفین

مرحله اول، معرفی و ایجاد اعتماد بین طرفین است. در این مرحله سازشگر سعی می‌کند که بی‌اعتمادی حاصل بین طرفین اختلاف را برطرف نماید و از طریق گفتگو با طرفین اعتماد آنان را جلب کند. چنانچه تنش بین طرفین زیاد نباشد، سازشگر ممکن است در یک محل مناسب مثل هتل گفتگو نماید. در صورتی که تنش بالا باشد، سازشگر ممکن است ابتدا نتواند جلسه مشترکی بین طرفین ترتیب دهد. در این صورت باید از طریق رفت‌وآمد به اتاق‌های طرفین سعی کند که دشمنی بین طرفین را کاهش دهد.

۲-۲-۶-۲- تشخیص مسائل مورد اختلاف

مرحله دوم، تشخیص مسائل مورد اختلاف و جدا کردن آن از سایر مسائلی است که ممکن است بین طرفین وجود داشته باشد. در این مرحله سازشگر تلاش می‌کند که از طریق گفتگو با طرفین و بررسی اسناد و مدارک، تشخیص دهد که اختلاف موجود بین طرفین واقعاً چیست و آیا موضوع مورد اختلاف از طریق سازش قابل حل و فصل است یا نه؟

۳-۲-۶-۳- خلاقیت در ارائه پیشنهادات

مرحله سوم، خلاقیت در ارائه پیشنهادات و گزینه‌های گوناگون برای حل و فصل اختلاف است. با توجه به این‌که هرکدام از طرفین ممکن است تنها به وضعیت خود توجه نماید و درک درستی از وضعیت طرف دیگر نداشته باشد، سازشگر باید تلاش کند که نگرانی‌ها و شرایط هرکدام را برای دیگری تشریح نماید و بیان کند که چگونه راه‌حل یک‌طرف برای طرف دیگر می‌تواند کاملاً غیرقابل قبول باشد. با توجه به درک شرایط دو طرف، سازشگر باید در ارائه‌ی راه‌حل‌های مورد قبول طرفین خلاقیت نشان دهد.

۴-۲-۲-۶-۲- انجام مذاکرات و اتخاذ تصمیم

مرحله چهارم، انجام مذاکرات و اتخاذ تصمیم است. در این مرحله سازشگر به طرفین کمک می‌کند که با یکدیگر گفتگو نمایند و پیشنهادات را مورد بررسی قرار داده و نسبت به جرح و تعدیل آن اقدام کنند.

۵-۲-۲-۶-۲- تهیه پیش‌نویس سازش‌نامه

مرحله پنجم، تهیه پیش‌نویس سازش‌نامه است. سازشگر با طرفین در خصوص موضوع مورد اختلاف گفتگو می‌کند و دیدگاه‌های آن‌ها را به هم نزدیک کرده و در صورت تمایل طرفین طرح سازش یا سازش‌نامه را تنظیم می‌نماید. (Chatterjee and Lefcovitc 2005, :18) این مرحله از مشکل‌ترین مراحل سازش است. حتی زمانی که طرفین نسبت به امری توافق دارند، ممکن است در مورد نحوه انعکاس آن روی کاغذ باهم اختلاف نظر پیدا کنند. سازشگر باید سعی کند که اختلاف سر کلمات و عبارات، کل توافق را تحت تأثیر قرار ندهد. توافق مزبور ممکن است به صورت یک قرارداد جداگانه یا در قالب یک اصلاحیه یا الحاقیه به قرارداد موجود تنظیم شود. چنانچه نمایندگان طرفین اختیارات لازم جهت امضای سازش‌نامه را داشته باشند، در همان نشست، متن توافق‌نامه به امضای طرفین می‌رسد. چنانچه آن‌ها اختیارات لازم را نداشته باشند، سازش‌نامه را پاراف کرده و برای امضای مدیران ارشد ارسال می‌کنند.

۶-۲-۲-۶-۲- تعیین تکلیف پرونده در مراجع داوری و یا قضایی

مرحله ششم، تعیین تکلیف پرونده در مراجع داوری و یا قضایی است. این مرحله زمانی معنا دارد که پرونده قبلاً در مراجع داوری یا قضایی مطرح شده است و متعاقباً طرفین توافق کرده‌اند که اختلافات را از طریق سازش حل و فصل کنند. در صورت تحقق سازش، خواهان باید نسبت به استرداد پرونده اقدام کند.

۷-۲-۲-۶-۲- اجرا، بررسی و اصلاح سازش‌نامه

مرحله هفتم، اجرا، بررسی و اصلاح سازش‌نامه است. هرچند این مرحله خیلی مهم است، معمولاً از آن غفلت می‌شود. گزارش مرتب به سازشگر در مورد نحوه اجرای

سازش‌نامه و جلوگیری از بروز مجدد مسائلی که باعث اختلاف شده بود، می‌تواند روابط تجاری بین طرفین را تضمین کند. (شیروی، ۱۳۹۱: ۴۹۳)

۷-۲-۲- خاتمه روند سازش

این مرحله در حقوق ایران با صدور گزارش اصلاحی صورت می‌پذیرد؛ اما در حقوق تجارت بین‌الملل مطابق ماده ۱۱ «قانون نمونه»، روند سازش به طرق ذیل خاتمه می‌یابد:

۱. با به نتیجه رسیدن یک توافق حل‌وفصل اختلاف توسط طرفین در تاریخ توافق؛
 ۲. توسط اعلام سازشگر، پس از مشورت با طرفین، مبنی بر این‌که انجام تلاش‌های بیشتر بر سازش توجیهی ندارد، از تاریخ اعلام؛
 ۳. با اعلام طرفین خطاب به سازشگر مبنی بر این‌که انجام روندهای سازش خاتمه یافته‌اند، از تاریخ اعلام؛
 ۴. توسط اعلام یک‌طرف به طرف یا طرف‌های دیگر و سازشگر، مبنی بر این‌که روندهای سازش خاتمه یافته‌اند، از تاریخ اعلام.
- به این صورت، یک منازعه و اختلاف بین دو طرف، شناسایی شده و مورد بررسی قرار می‌گیرد و برای آن راه‌حل ارائه شده و به رأی نهایی از طرف سازشگر منجر می‌شود که این رأی اجرا می‌گردد و در نهایت روند سازش خاتمه می‌یابد.
- در خصوص ارتباط سازش با روندهای داوری یا قضاوت و یا مراجعه به این روندها حین اجرای روند سازش باید گفت وقتی که طرفین بر روی سازش توافق می‌کنند و به‌طور صریح تعهد می‌نمایند که در طول یک دوره معین (از زمان یا تا زمان وقوع یک رویداد خاص)، روندهای داوری یا قضاوت مرتبط با اختلاف موجود یا آینده را شروع نکنند، به چنین تعهدی باید توسط دیوان داوری یا دادگاه تأثیر داده شود تا مفاد تعهد اجرا گردد، مگر به مقداری که در نظر یکی از طرفین برای حفظ حقوقش لازم است. شروع چنین روندهایی به‌خودی‌خود منجر به چشم‌پوشی از مقررات سازش یا خاتمه روند سازش نمی‌شود. (ماده ۱۳ «قانون نمونه»)

در خصوص تفاوت رأی میان سازش با داوری باید گفت که برخلاف داوری که در آن رأی داور الزام‌آور است و همانند آرای محاکم بدون رضایت یکی از طرفین (محکوم‌علیه) نیز قابل اجرا می‌باشد ولی آرای سازشگر برای طرفین منازعه در سازش الزام‌آور نیست و طرفین می‌توانند رأی سازشگر را نپذیرند. با وجود این که راه‌حل‌ها برای طرفین الزام‌آور نیست، در سازش طرفین می‌توانند ایده‌ها و پیشنهادات را بپذیرند، رد کنند یا اصلاح نمایند. (مستأجران، ۱۳۹۲: ۹۶)

بدیهی است در صورتی که طرفین رأی سازشگر را بپذیرند، این رأی الزام‌آور بوده و طرفین قادر به مطرح کردن مجدد دعوی در دادگاه و یا نهاد دیگری نخواهند بود. مطابق ماده ۱۴ «قانون نمونه»، «اگر طرفین از یک توافق حل و فصل اختلاف نتیجه بگیرند، آن توافق الزام‌آور و قابل اجرا است.»

ذکر این موضوع ضروری است که در موضوع سازش، در حقوق ایران و تجارت بین‌الملل سخن بر سر حل و فصل اختلافات به شیوه‌ی دوستانه است. غالباً در هر دو، این اقدام داوطلبانه است. (مگر در سازش اجباری)؛ اما در حقوق تجارت بین‌الملل برخلاف حقوق ایران - که دخالت شخص ثالث در سازش متصور نیست، سازشگر به وسیله گفتگو با طرفین و نزدیک کردن آن‌ها به هم سعی در ایجاد سازش بین آن‌ها دارد و تلاش می‌کند که طرفین در خصوص اختلافات موجود و راه‌حل‌های آن مذاکره نموده و در پایان، اختلاف طرفین را با رضایت آنان حل و فصل نماید. در حقوق ایران سازش یک فرآیند دادرسی است و حتماً باید از طریق دادگاه (چه پیش از اقامه‌ی دعوی چه پس از اقامه‌ی دعوی) صورت بگیرد. در واقع حتی اگر سازش خارج از دادگاه هم بین طرفین واقع شود، باید دو طرف در دادگاه حاضر شده و به صحت آن اقرار کنند. در حالی که اصولاً سازش در حقوق تجارت بین‌الملل به دلیل این که یکی از روش‌های حل و فصل اختلافات خارج از دادگاه است، محل انعقاد آن در خارج از دادگاه و روند دادرسی است و تنها در موارد معدود طرفین توسط دادگاه ملزم می‌شوند که برای دعوی مورد اختلاف خود در دادگاه اقدام به سازش نمایند. (مستأجران، ۱۳۹۲)

نتیجه‌گیری

بروز اختلاف در روابط تجاری امری غیرعادی تلقی نمی‌شود. این اختلافات یا باید در دادگاه و نیز به صورت داوری، و یا در قالب روش‌های جایگزین حل و فصل گردند. در حقوق تجارت بین‌الملل سازش یکی از این روش‌ها است. در حقوق ایران نیز سازش یک روش حل و فصل منازعه و اختلاف است. با توجه به آنچه که ذکر شد باید گفت که هسته‌ی مرکزی این دو نهاد در حقوق ایران و حقوق تجارت بین‌الملل و آنچه که این دو نهاد را همسوی هم قرار می‌دهد، «حل و فصل منازعه خارج از روند دادرسی» است؛ از این رو این دو نهاد از حیث ماهیت و هدف انعقاد، تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند. از حیث تشریفات نیز این دو نهاد تا حدود زیادی مشابه هم هستند، لکن در مواردی تفاوت‌هایی وجود دارد؛ برای مثال یکی از ارکان اساسی سازش تجاری بین‌المللی، وجود شخص ثالث سازشگر است. در حالی که سازش در حقوق ایران نیازمند چنین رکنی نیست.

در نهایت با توجه به آنچه در این پژوهش ذکر شد، باید گفت که نهادی که در حقوق ایران از آن با عنوان صلح و سازش یاد می‌شود، علی‌رغم وجود تفاوت‌ها، نه تنها تا حد زیادی با نهاد سازش موجود در قانون نمونه آنسیترال درباره‌ی سازش تجاری مصوب ۲۰۰۲ منطبق است، بلکه بسیار کامل‌تر از نهاد مذکور به نظر می‌آید؛ چراکه صلح و سازش در حقوق ایران، علاوه بر حل و فصل اختلافات موجود و یا احتمالی، خود به عنوان عقدی اصیل و مستقل محسوب می‌گردد که می‌تواند با در نظر گرفتن مفهوم و ماهیت تسالم، ثمره بسیاری از عقود را داشته باشد بدون آنکه تشریفات و محدودیت‌های عقود مذکور را به دنبال داشته باشد. از این رو به نظر می‌رسد که بتوان صلح و سازش حقوق ایران را به عنوان نهادی پیشرفته و کامل به جامعه‌ی حقوق بین‌الملل ارائه نمود که این امر قطعاً سبب آشنایی جامعه‌ی بین‌الملل با فقه پویای امامیه و گسترش آن خواهد شد.

کتابنامه

فارسی:

۱. امامی، سید حسن. (۱۳۵۲) حقوق مدنی. جلد ۱ و ۲. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیه.
۲. انوری، حسن. (۱۳۸۲) فرهنگ بزرگ سخن. جلد ۵. تهران: انتشارات سخن.
۳. بروجرودی عبده، محمد. (۱۳۸۰) حقوق مدنی. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجلد.
۴. تاجانی، بهرام. (۱۳۸۸) مجموعه قوانین و مقررات مربوط به آئین دادرسی مدنی. تهران: انتشارات اندیشه عصر.
۵. تقی زاده، ابراهیم و رضا تقی زاده. (۱۳۹۱) بررسی گزارش اصلاحی در حقوق ایران. تهران: جاودانه.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۵) ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۷. —. حقوق مدنی (رهن و صلح). (۱۳۷۰) تهران: نشر ابن سینا.
۸. —. دائرةالمعارف علوم اسلامی. (۱۳۸۱) جلد ۲ و ۳. تهران: گنج دانش.
۹. —. مبسوط در ترمینولوژی حقوق. (۱۳۷۸) جلد ۳. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۰. حسنی، محمد مهدی. چه بگویم؟ (حقوقی، ادبی و اجتماعی). (۱۳۸۹) ۲۶ فروردین. آخرین مشاهده: ۱۳۹۵/۱۰/۳۰ <http://hassani.ir/post-296.aspx>
۱۱. حیاتی، علی عباس. (۱۳۸۴) شرح قانون آیین دادرسی مدنی. تهران: نشر سلسبیل.
۱۲. دهخدا، علی‌اکبر. لغتنامه دهخدا. (۱۳۷۳) جلد ۹. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۳. شمس، عبدالله. (۱۳۸۷) آیین دادرسی مدنی. جلد ۲ و ۳. تهران: انتشارات دراک.
۱۴. شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۱) حقوق تجارت بین‌الملل. تهران: سمت.
۱۵. —. حقوق تطبیقی. (۱۳۸۵) تهران: سمت.
۱۶. طاهری، حبیب‌الله. حقوق مدنی. جلد ۴. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۸ ه.ق.
۱۷. عدل، مصطفی. (۱۳۴۲) حقوق مدنی. تهران: امیرکبیر.
۱۸. عمید، حسن. فرهنگ فارسی عمید. (۱۳۸۹) تهران: انتشارات راه رشد.

۱۹. کاتوزیان، ناصر. اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی. (۱۳۷۶) جلد ۵. تهران: انتشارات دادگستر.
۲۰. —. حقوق مدنی؛ عقود معین مشارکتها-صلح. (۱۳۹۱) جلد دوم. تهران: کتابخانه گنج دانش.
۲۱. کریمی، عباس. آیین دادرسی مدنی. (۱۳۸۹) تهران: مجد.
۲۲. گروه پژوهشگران کاو اندیش. نظام حقوقی انگلستان (برگردان نسرین مهرا). (۱۳۸۹) تهران: میزان.
۲۳. متین دفتری، احمد. آیین دادرسی مدنی و بازرگانی. (۱۳۸۸) جلد ۱. تهران: مجد.
۲۴. مدنی، سید جلال‌الدین. آیین دادرسی مدنی. (۱۳۶۸) جلد ۲. تهران: انتشارات گنج دانش.
۲۵. مستأجران، الهام. مطالعه تطبیقی صلح دعوی در حقوق ایران و انگلستان. (۱۳۹۲) پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه قم.
۲۶. معاونت آموزش قوه قضائیه. سازش و داوری در شوراهای اختلاف. (۱۳۸۶) قم: نشر قضا.
۲۷. معین، محمد. فرهنگ فارسی معین. (۱۳۶۰) جلد ۱ و ۲. تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
۲۸. نفیسی، علی‌اکبر. فرهنگ نفیسی. (۱۳۱۷) جلد ۳. ۵ جلد. تهران: شرکت سهامی چاپ رنگین.
۲۹. نوبخت، یوسف. اندیشه‌های قضائی. (۱۳۷۰) تهران: انتشارات کیهان.
۳۰. نوربخش، سید داود. بررسی فقهی و قانونی صلح و سازش و نهادهای مرتبط در حقوق موضوعه ایران. (۱۳۹۱) بیان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۳۱. یلفانی، علی‌اکبر. شرح و تفسیر قوانین دادرسی مدنی. (۱۳۹۱) جلد ۱. تهران: گنج دانش.

انگلیسی:

1. Black, Henry Campbell . BLACK'S LAW DICTIONARY. 6th. MINN: WEST PUBLISHING CO, 1990.
2. A.Martin, Elizabeth. A Dictionary of LAW. 5th. London: OXFORD, 2001.
3. Chatterjee, C, and A Lefcovitc. Alternative dispute resolution. -: Routledge, 2005.
4. Collins, huge. Regulating Contracts. 1st. London: Oxford University Press, 1999.
5. Rowley, chris. "conciliation" the informed student guide to HRM. London: city university, 2002.
6. Thierer, Adam. Judgent Day: The case for alternative dispute resolution. London: Adam smith institute, 1992.
7. UNCITRAL. (2004). UNCITRAL Model Law on International Commercial Conciliation with Guide to Enactment and Use. New York: United Nations.
8. UNCITRAL. UNCITRAL Conciliation Rules (1980). http://www.uncitral.org/uncitral/en/uncitral_texts/arbitration/1980_Conciliation_rules.html
9. UNCITRAL. UNCITRAL Model Law on International Commercial Conciliation (2002).http://www.uncitral.org/uncitral/en/uncitral_texts/arbitration/2002Model_conciliation.html

